

تمکن	(Placentation): طرز قرار گرفتن تخمک در داخل تخمدان، تمکن ناپایده می‌شود که به سه صورت کناری (بنفشه)، محوری (زنبق) و سرکزی (پاسچال) دیده می‌شود.
تنظورها	(Teintures): مایعات الکلی هستند که از تأثیر الکل بر روی یک یا چند ماده خشک دارویی اعم از گیاهی یا حیوانی و یا مواد شیمیائی معین، حاصل می‌گردند. درجه الکلی که برای تهیه تنظورها بکار می‌رود، متناسب نوع ماده دارویی تفاوت می‌نماید. در تهیه تنظورها، اصولاً الکل ۶ درجه برای اعضای گیاهانی که مواد موثر آنها به سهولت حل می‌گردد (مانند آرنیکا، ژانسیان، کنکینا)، الکل ۷ درجه برای تهیه تنظور بلادون، کوکاو کلسیک و الکل ۸ درجه برای مواد که ترکیبات رزینی فراوان و اسانس در بر دارند (مانند بولدو Boldo، باقلای کالا بار) بکار می‌رود. الکل ۹ درجه برای تهیه تنظور از بوم‌ها (Baumes)، ترپانتین‌ها، مواد با ترکیبات روغنی یا سواد با قابلیت انحلال کم و یا سواد که به سهولت هیدرولیز می‌شوند (مانند آکونیت) و حتی بعضی از مواد رزینی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. الکل ۹۰ درجه نیز برای تهیه تنظورید (کدکس ۱۹۲ و ۱۹۳۷) بکار می‌رود. اگر در تهیه تنظورها، یک ماده دارویی بکار رفته باشد، تنظور را ساده و اگر بیش از یک ماده بکار رفته باشد، تنظور را مرکب گویند. تنظورها در گرمای معمولی و به طریقه انحلال ساده (تنظورید)، لیکسیویاسیون (تنظور ریشه آکونیت، برگ بلادون، دانه کلسیک، برگ دیژیتال) و یا خیساندن (تنظور پنژوئن، دارچین، الوئس) تهیه می‌گردند.
تنقیح‌ها	(Lavements) - ترکیبات دارویی و به حالت مایع اند که از راه رکتوم (Rectum) وارد روده بزرگ می‌شوند. وارد کردن آنها در روده بزرگ معمولاً به کمک دستگاه مخصوص محتوی مایع که یک لوله بزرگ

تاپیوکا	بهار نارنج و غیره معطر می‌سازند. (Tapioca) - از ریشه رنده شده Manihot utilisima تحت اثر فشار، شیره شیرین رنگی به دست می‌آید که دارای قسمتی از آمیدون ریشه است. این شیره را در ظرفی ریخته به حال خود می‌گذارند تا ته نشین شود سپس چند بار شسته، در گرمای خورشید خشک می‌کنند و ماده‌ای به نام Moussache به دست می‌آورند. از خشک کردن Moussache بر طوب، بر روی صفحات فلزی مخصوص، تاپیوکا بدست می‌آید. تاپیوکا را که نوعی فکول است در صنعت از خشک کردن شیره ریشه رنده شده گیاه مذکور بر روی صفحات گرم متحرک به دست می‌آورند و پس از خشک کردن کامل، آنرا به صورت گرانول در می‌آورند و سپس به گرمای ۱۰۰ درجه می‌رسانند تا قسمتی از مواد نشاسته‌ای آن تبدیل به دکستروزین شود.
تالامیفلوراها	(Thalamiflorae): گیاهانی را گویند که تخمدان فوقانی و واقع بر روی نهج گل دارند.
تترادینام	(Tétradyname): نوعی نافه گل را گویند که شامل ۶ پرچم به وضعی است که چهارتای آنها بزرگتر از ۲ تای دیگر می‌باشد. گیاهان تیره شب بو عموماً به استثنای عده معدودی، دارای پرچمهای تترادینام می‌باشند.
تحلیل یافته	(Avorté): عضوی از گیاه را گویند که نموان متوقف شده باشد.
تخمک خمیده	(Ovule campylotrope): تخمکی است که خورش (نوسل) آن، وضع خمیده دارد به علاوه سفت آن در مجاورت ناف و شالاز قرار دارد.
تخمک راست	(Ovule orthotrope): تخمکی است که در آن، پایه تخمک (فونیکول) و محور خورش، در یک امتداد باشند.
تخمک واژگون	(Ovule anatrope): تخمکی است که فونیکول و محور خورش (نوسل) زاویه حاده تند باهم ایجاد کنند.
تک لپه ای‌ها	(Monocotyledoneae): گیاهانی را گویند که در آنها، جنین دارای منحصراً یک لپه باشد مانند خرما، گندم و غیره.

لاستیکی دراز، به قاعده آن ارتباط پیدا می کند صورت می گیرد که در واقع نوعی اماله است (Irrigateur) و یا آنکه به کمک پوارهای (Poires) کائوچوکی نرم و منتهی به نوک باریک که مایع تنقیه به سهولت در آن وارد و یا فشردن آن، تخلیه شود انجام می گیرد. تنقیه در واقع نوعی تزریق محلول داروئی یا آب جوشیده سرد و یا آب مخلوط باروغن، یادم کرده ها و جوشانده های گیاهی و غیره به درون روده بزرگ می باشد.

درجه گرمای مایع تنقیه، معمولاً بین ۳۰ و ۳۵ است. مقدار مایع تنقیه برای اشخاص بزرگ معمولاً ۵۰۰ گرم است که به دفعات ۱/۳ یا ۱/۴ مورد استفاده قرار می گیرد. محلول های تنقیه بر چند نوع اند و حجم آنها نیز که باید در روده بزرگ وارد شوند بر حسب نوع تنقیه به شرح زیر تفاوت می نماید:

۱- تنقیه هائی که برای سهولت دفع محتویات روده بزرگ انجام می گیرد، در واقع عمل سسهلی یا سسهلی سلایم انجام می دهند و حجم آنها ۴۰۰ تا ۵۰۰ سیلی لیتر است.

۲- تنقیه های آرام بخش که سوادى مانند کلرال، برسورها، لدانم و غیره در خود محلول دارند، به مقدار کم یعنی ۱۰۰ تا ۱۵۰ سیلی لیتر به کار می روند.

۳- تنقیه های نرم کننده، از سواد سوسیلایژدار مانند ریشه ختمی و یا ازنشاسته تهیه می شوند.

۴- تنقیه های مغذی که در واقع جانشین مواد غذایی مورد نیاز بدن می باشند، در بعضی بیماری ها مورد استفاده قرار می گیرند. تنقیه های مغذی باید به حجم های کم وارد روده بزرگ گردند تا تحمل نگهداری و جذب آنها میسر شود. ازین نوع تنقیه ها، محلول حاصل از جوشاندن گوشت، شیر، زرده تخم مرغ و پپتن ها Peptones هارا مثال می زنیم.

چون تنقیه ها، اصولاً سرعت تأثیر مخصوصاً در دفع سواد روده بزرگ دارند، استفاده از آنها برای بیماران و افراد مسن غالباً متداول می باشد.

ازین انواع تنقیه، به ذکر چند نمونه زیرا کتفا می شود:

۱- تنقیه مغذی

پپتن خشک	۲۰۰ گرم
زرده تخم مرغ	یک عدد
آب نیم گرم	۱۵۰ گرم

پپتن را در مقدار خیلی کم آب نیم گرم حل می کنند و سپس زرده تخم مرغ را وارد کرده می ساینند و تدریجاً بقیه آب را وارد می کنند به طوری که بر اثر همزدن، محلول یکنواخت حاصل شود.

۲- تنقیه با اثر سسهلی

برگچه سنا	۱۵ گرم
آب جوش	۵۰۰ »

برگچه سنا را در آب جوش وارد کرده به مدت نیم ساعت دم می کنند سپس با فشار صاف می نمایند. به محلول حاصل مقدار ۱۵۰ گرم سولفات سدیم می افزایند.

۳- تنقیه آرام بخش

گرد ریشه سنبل الطیب	۴ گرم
گرد بهار نارنج	۴ »
آب	۲۰۰ »

سواد مذکور را به خوبی مخلوط نموده استعمال می نمایند.

(Topiques) - داروهای هستند که برای درمان های موضعی و اثر دادن بر روی پوست و گاهی مخاط حفرات بدن که سهولت دسترسی داشته باشند مانند حفره دهان، حفره دندان های کرم خورده، گردن رحم و غیره به کار می روند و از نظر کلی باید آنها را داروهای برای مصارف خارجی ذکر نمود.

توییک ها، عمل حفاظت، نرم کننده، قرمز کننده پوست، سحرق و غیره دارند. انواع مختلفی از آنها نیز در دامپزشکی مصرف دارند. توییک هائی که عمل حفاظت را انجام می دهند، به صورت قشرنازکی

توییک ها

بر روی پوست یا مخاطها اثر داده می‌شوند تا عضویمار را از عوامل تحریک کننده جدا سازند. این نوع توپیک‌ها ممکن است به حالت گرد، مانند پودرتالک یا گرد لیکوئید در استعمال خارج و سونتیرات بیسوت جهت رفع تحریک مخاطها در مصارف داخلی باشند و یا مواد چرب مانند روغن‌ها و اکسیپیان پمادها (وازلین، لانولین، آکسوئز) در تهیه آنها به کار رفته باشند. از توپیک‌های چسبنده بر روی عضو، شمع‌ها و کلودیون‌ها Colodions نام برده می‌شود.

توپیک‌های نرم کننده به صورت ضماده می‌باشند. توپیک‌های قابض (مانند تانن‌ها، زاج...)، توپیک‌های محرق (مانند اسید سالیسیلیک و انیدرید ارسینورا که بر اثر تأثیر بر روی عضو، موجب از بین رفتن قشرهای سطحی بافت می‌شوند) و توپیک‌های قرمز کننده پوست و گردآورنده خون به قسمت‌های سطحی عضو معینی از بدن (مانند گردخردل)، هریک به مصارف درمانی مختلف می‌رسند.

توپیک، جهت درمان بادسرخ (Chabrely)

نشاسته ۱۰۰ گرم

کلریدرات آمونیاک ۳ »

به صورت گرد جهت مالیدن بر روی عضو (Dorv. p. 1704, 1982).

(Tisans): مایعات دارویی را گویند که معمولاً از تأثیر آب بر روی اعضای مختلف گیاهان مانند برگ، ریشه، ساقه، گل، سیوه، دانه و حتی مواد حیوانی و معدنی تهیه می‌گردند. تیزانها، حاصل مقدار کمی از مواد موثرند و چون زود فاسد می‌گردند آنها را در سوتج مصرف تهیه می‌کنند. تیزانها به تناسب نوع ماده دارویی، به طرق مختلف انحلال ساده، خیساندن، دم کردن، جوشاندن، دیژستین و حتی لیکسیویاسیون مواد دارویی در آب مقطر یا در آب آشامیدنی تهیه می‌شوند.

تیزانها به عنوان حاصل مواد دارویی و یا به صورت نوشابه به مصرف بیماران می‌رسند.

(Corolle): مجموعه گلبرگها در گیاهان گلدار، جام گل نامیده می‌شود.

تیزانها

جام گل

جام گل ممکن است مرکب از گلبرگ‌های پیوسته بهم و یا گلبرگ‌های جدا از یکدیگر باشد.

جدار داخلی تخمدان (Cloison): تینه نازکی است که باعث تقسیم تخمدان به چند خانه مشخص می‌شود. تیفه مذکور معمولاً به تعداد برچه‌های مادگی در تخمدان مشاهده می‌گردد بطوری که از روی آن می‌توان معین نمود که تخمدان از اتحاد چند برچه تشکیل یافته است. در بعضی از گیاهان، جدار داخلی برچه‌ها بطور ناقص یا کامل از بین می‌رود و یا آنکه بر اثر پیدایش جدارهای ناشی از جفت (Placenta)، حفره تخمدان بطور کامل یا ناقص به خانه‌های بیشتر از تعداد برچه‌ها تقسیم می‌گردد (مانند سیوه خشخاش).

جدار گلبرگ‌ها (Dialypétales): گروه بزرگی از گیاهان گلدار را گویند که در آنها، جام گل از گلبرگ‌های آزاد و جدا از هم تشکیل یافته باشد.

جفت (Placenta): کناره جدار برچه‌هاست که تخمک‌ها به وسیله فونیکول بدان اتصال دارند.

جوشاندن (Décoction): نوعی انحلال را گویند که از جوشاندن مواد دارویی مختلف مانند اعضای مفید گیاهان و غیره در حلال، حاصل شوند. زمان جوشیدن در حلال نیز به تناسب مواد دارویی مختلف فرق می‌کند.

استفاده از این طریقه برای سواردی است که استخراج مواد از جسم دارویی، به طرق دیگر غیر مقدور و یا با اشکالاتی همراه باشد.

جویدنی‌ها (Masticatoires): اشکال دارویی مختلفی را گویند که تماس آنها با مخاط دهان، موجب افزایش ترشحات غدد بزاقی می‌شود. تمام مواد ساده‌ای که این اثر را دارند، زیاد کننده ترشحات آب دهان (Sialagogue) نامیده می‌شوند مانند پیرتر (Pyrèthre)، Spilanthe یا (Spilanthes oleracea L.) که گیاهی از تیره Compositae است)، همچنین فلفل سبز و غیره در این ردیف جای دارند. ضمناً برای تسهیل هضم - غذایی نشاسته‌ای از طریق افزایش ترشحات بزاق، چنین پیشنهاد گردیده که مواد جویدنی که قابلیت حل شدن در آب دهان را ندارند مانند

جدار داخلی تخمدان

جفت

جوشاندن

جویدنی‌ها

گوتادپرکا Gutta-Percha و یا یکرزین معطری که بعلت داشتن طعم مطبوع بتواند به سهولت مدتی جویده شوند نیز در این ردیف جای داده شوند.

گم شیکل Gomme-Chicle یا Chewing-gum (آدامس)، که از شیرابه درختی بنام *Achras sapota L.* و غیره به دست سی آید و با افزودن مواد قندی و معطر بصورت مطبوع درآورده می شود، بمنظور فوق مورد استفاده قرار می گیرد.

جویدنی ها به دو صورت ساده و مرکب اند (Dorvault, p. 938, 1982).
(Rotacé): معمولاً نوعی جام گل را گویند که در آن، لوله جام در انتها به قسمت مسطحی ختم می شود بطوری که مجموعاً منظره چرخ چاه را نشان می دهد.

(Coriace): معمولاً برگ کم و بیش ضخیم، نرم و قابل انعطاف را گویند که حالتی شبیه چرم داشته باشد مانند برگ شمشاد باغ.

(Tétrakène): سیوه گیاهانی را گویند که پس از رسیدن کامل، به چهار قسمت محتوی یک دانه در هر یک از آنها (۴ فندقه) تبدیل می شود مانند گیاهان تیره نعناع Labiatae.

(Marginé): عضوی از گیاه است که دارای حاشیه ای به صورت مشخص می باشد. مانند برگ *Euphorbia marginata Pursh.* که گیاهی زینتی است و برگ آن، حاشیه سفید رنگ در کناره دارد بطوری که کاملاً مشخص است.

(Pilules): اشکال داروئی را گویند که به صورت مختلف کروی، عدسی-شکل و غیره در معرض استفاده قرار گرفته وزن آنها از ۰.۱ ر. تا ۰.۳ ر. حتی ۰.۵ ر. گرم تغییر می نماید. حب ها از انواع مختلف مواد داروئی مانند گرد های گیاهی و حیوانی، رزین ها، عصاره ها، اسلح معدنی، اسلح آلی، صمغ ها، گودرون ها و غیره ساخته می شوند. اگر مواد داروئی، قابلیت حب شدن را داشته باشد مستقیماً و در غیر این صورت به تناسب نوع داروی مورد مصرف، با افزودن موادی اثر جامد یا مایع (اکسیپیان ها)،

چرخ شکل

چرمی

چهار فندقه ای

حاشیه دار

حب ها

آنها را به صورت حب درمی آورند.

اکسیپیانهای مورد استفاده در ساختن حب عبارتند از شربت ساده، عسل، عصاره شین دان (*Agropyrum repens*)، گرد ریشه ختمی، گرد ریشه شیرین بیان، صمغ عربی و غیره.
در تهیه حب ها اگر مواد داروئی جامد باشند پس از آنکه به خوبی به صورت گرد درآیند، از اکسیپیان های مایع مانند شربت ساده، شربت صمغ و غیره ولی اگر مواد داروئی، حالت مایع یا نیمه مایع داشته باشند، از اکسیپیان های جامد مانند گرد ریشه شیرین بیان، ختمی، صمغ عربی و غیره استفاده می گردد.

برای تهیه حب، اگر به مقدار کم مورد نیاز باشد می توان از هاون برای تهیه خمیر از مواد داروئی و اکسیپیان استفاده کرد. امروزه در صنعت برای تهیه مقادیر زیاد حب، از دستگاههای مخلوط کن خود-کار، که مواد داروئی و اکسیپیان را در آن وارد می سازند، استفاده می کنند. خمیر یکنواخت حاصل را پس از خارج کردن، توسط دستگاههایی به صورت حب درمی آورند.

معمولاً برای مخفی داشتن طعم و بوی حب ها، نجیبیدن آنها یکدیگر، دورنگ داشتن آنها از هوا به منظور جلوگیری از فساد و غیره، حب ها را از یک ورقه نازک قند یا کراتین (*Kératine*) می پوشانند.

حب مگلن (*Méglin*) که دارای اثر درمان هیستری است از عصاره ژوسکیام، عصاره والرین و اکسیدروی، به مقدار مساوی ۱ گرم از هر یک جهت ساختن ۰.۲ حب، تهیه می شود. مقدار مصرف آن در آغاز یک حب است و می توان تا ۴ حب در روز تدریجاً افزایش داد.

(Bains médicamenteux). محیط های درمانی مایع، نرم، خشک و یا به حالت گاز را گویند که تمام اندام و یا عضوی از بدن، تحت اثر آن قرار می گیرد.

حمام های مایع که متداول ترین نوع آنهاست شامل آب و مواد داروئی مختلف می باشد. آبهای معدنی را نیز در ردیف آنها می توان قرارداد.

حمام های داروئی

انواع دیگری از حمام‌های مایع مانند حمام‌شیر، حمام روغن و غیره نیز وجود دارد که استفاده از آنها از قدیم‌الایام بین بعضی افراد معمول بوده و امروزه مورد توجه قرار ندارد.

حمام‌های مایع ممکن است از نوع خیلی سرد (درجه گرمادرحد و صفر)، سرد (درجه گرمای بین ۱۰ تا ۱۲)، نیم‌گرم (درجه گرمای بین ۲۰ تا ۳۰)، گرم (درجه گرمای بین ۳۰ تا ۴۰) و حتی خیلی گرم باشد که انواع خیلی سرد و خیلی گرم آنها، دستورهای پزشکی نیاز دارد.

مقدار آب لازم جهت حمام، به طوری که تمام بدن بتواند در آن غوطه‌ور شود، برای افراد بالغ ۲۰ تا ۳۰ لیتر، برای جوانان در سن بلوغ ۲۰ تا ۲۵ لیتر، برای کودکان ۸ تا ۱۲ ساله ۱۰ تا ۱۵ لیتر و برای اطفال کمتر از ۸ سال ۲۰ تا ۳۰ لیتر است. مدت استفاده از حمام نیز ممکن است چند دقیقه تا یک ساعت و حتی در مواردی طولانی‌تر باشد.

بطور کلی باید توجه داشت که استفاده از حمام، با بدن عرق‌دار یا تب‌دار و یا با معده پر یعنی بلافاصله بعد از غذا صورت نگیرد.

استفاده از حمام‌های مایع برای درمان بیماری‌ها، هیدروتراپی Hydrothérapie نامیده می‌شود که امروزه اهمیت خاص در پزشکی حاصل نموده است.

حمام‌های نرم، مانند گل‌های نرم و نمک‌دار سواحل دریاها و غیره به علت دارا بودن املاح معدنی و مواد موثر مختلف، در بیماری‌های اسکوربوت، خنازیر و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد.

حمام‌های خشک مانند ساسه‌گرم یا خاکسترگرم است که تمام یا عضوی از بدن در آن وارد می‌شود.

حمام‌های بخار - در بعضی موسسات بزرگ درمانی و بیمارستانها، بخار مورد نظر جهت درمان بیماری را در اطاقی ایجاد می‌کنند و سپس آنرا از راه منفذی به درون اطاق بیمار هدایت می‌نمایند. در این اطاق، تا آن حد که تحمل گرمای زیادتر میسر باشد، بیمار را به محل ورود بخار به اطاق نزدیک‌تر می‌نمایند.

مایعاتی که از آنها، بخار تهیه می‌شود و به اطاق بیمار هدایت می‌گردد متنوع اند. درجه گرمای حمام بخار به تفاوت از ۲۰ تا ۶۰ و حتی بیشتر تغییر می‌کند ولی حد معمولی آن، گرمای ۳۰ درجه است. اگر بیمار، ایجاد ناراحتی و احتقان مغزی (هجوم خون به مغز) در حمام بخار نماید، بایک اسفنج آغشته به آب سرد، ناحیه سر بیمار را خنک می‌نمایند.

سوادی که بیشتر برای تهیه حمام‌های خشک به کار می‌رود عبارت از گوگرد، سینابر (cinabre یا سولفور جیوه)، بنزوئن، سوکسین Succine و برای حمام‌های با بخار مرطوب، آب، سرکه، جوشانده‌های معطر، نرم‌کننده‌ها و شیره می‌باشد.

حمام‌های (Sauna)، به هر دو صورت خشک و مرطوب نیز در ردیف حمام‌های مذکور جای دارند. انواع متنوع دیگری از حمام‌ها نیز وجود دارند.

در کدکس ۱۹۴۹، هیچ نوع فرسولی برای تهیه حمام‌های طبی وارد نشده است.

فرسول و طرز تهیه چند نوع حمام داروئی به شرح زیر است:

۱- حمام آمیدون، برای رفع خارش

مقدار ۵۰ تا ۸۰ گرم آمیدون (نشاسته) را در کمی آب سرد حل می‌کنند و سپس آنرا در آب نیم کرم وارد می‌سازند. مقدار آمیدون مورد استفاده برای کودکان، ۲۰ تا ۴۰ گرم است.

۲- حمام داروئی، جهت درمان درماتیسم

اسانس تربانتین	۱۰۰ گرم
— رومان (اکلیل الجبل)	۱۰
جوش شیرین	۵۰

سواد مذکور را در آب کافی جهت استحمام حل کرده، به مدت ۱ تا ۱۰ دقیقه در آن باقی می‌مانند. مقدار درمید سواد مذکور را اندرینجا می‌توان افزایش داد. حمام داروئی مذکور، در درمان نقرس، رماتیسم و سیاتیک موثر است.

۳-حمام دارویی جهت درمان راشی تبسم (نرمی استخوان کودکان)

کلریدرات آمونیوم ۱۰ گرم

کلروآهن ۰ . ۰

آب به مقدار کافی

جهت درمان نرمی استخوان .

(Style): قسمت آزاد مادگی است که به کلاله ختم می شود.

(Style treminal): منظور نوعی خامه است که به درون تخمدان نفوذ

نکرده باشد مانند خامه Ajuga هاو Teucrium ها.

(Loge): حفرات داخلی تخمدان، سیوه ویاساک.

(Pâtes) - اشکال دارویی نیمه سخت و دارای قابلیت تغییر شکل یافتن اند.

به انگشتان نمی چسبند. ماده اصلی تشکیل دهنده آنها، قند و صمغ عربی

است که مواد دارویی مختلف را همراه دارد. برای تهیه آنها، قند و صمغ

عربی را در آب حل کرده تبخیر می نمایند و مواد دارویی را بدان

می افزایند و به خوبی مخلوط می کنند (در انواعی که مانند خمیر

آسیگدالین Pâtes amygdaline، بادام همراه داشته باشد، از بادام

و قند و آب، خمیر یکنواخت تهیه کرده، صمغ عربی را بحالت گرم در محلول

حل می کنند) سپس به صورت قشر نازکی می گسترانند و به اشکال

مختلف درمی آورند و یا در قالب های ریزند و خاتماً در اتوو . ۰ درجه

خشک می کنند.

خمیرها به تفاوت و بر حسب نوع تهیه، ظاهر تار، نیمه شفاف و یا شفاف

دارند و داخل آنها هوادار می باشد. از بین آنها، خمیرهای پکتورال

(Pâtes péctorales)، خمیر آسیگدالین و خمیرافی سینال او کالیتوس را

نام می بریم.

خمیرهای پکتورال، معمولاً دارای مقدار کمی عصاره تریاک، کدئین

و غیره اند و برای رفع سرفه و ناراحتی های سینه بکار می روند.

(Spontané): گیاهانی را گویند که به حالت وحشی می رویند.

(Silique): نوعی سیوه خشک و شکوفاست که با چهار شکاف طولی

خامه

خامه انتهائی

خانه

خمیرهای دارویی

خودرو

خورجین

باز می شود و طول آن از ۳ برابر عرض میوه بیشتر است مانند میوه ترب و شب بو.

(Silicule): نوعی سیوه خشک شکوفاست که به خلاف نوع خورجین، طول آن از ۳ برابر عرض میوه کمتر است. مانند میوه قدومه و کیسه کشیش.

(Macération): خیساندن، نوعی انحلال ناقص است که بدان وسیله جسم دارویی یا عضوی از گیاه را به مدت معین و بدون استفاده از گرما، در حلالهای مختلف قرار می دهند. با این طریق پس از آنکه جسم دارویی مدتی با حلال مجاورت پیدا نمود، قسمتی از مواد آن در حلال حل می شود.

حلالهایی که برای این عمل بکار می رود عبارت از آب، الکل، اتر، شراب، سرکه و غیره است .

به اینگونه محلولات که معمولاً به کمک آب و به طریق مذکور تهیه می گردند، خیسانده نام داده شده است.

(Dragées) - درآژه ها را می توان حب های کوچک بیضوی یا مسطح و پوشیده از یک قشر نازک و فشرده قند دانست. مصرف دارو به صورت درآژه نیز نخستین بار توسط Fermond در سال ۱۸۳۲ میلادی پیشنهاد گردید. قشر خارجی درآژه ها را گاهی با استفاده از محلول کارسن، به رنگ قرمز در می آورند و یا برای این کار، از رنگ های بی زبان دیگر استفاده می کنند. درآژه کلرال، از مخلوط ۲۰ گرم هیدرات کلرال و به مقدار کافی از صمغ عربی جهت تهیه ۱۰۰ درآژه ساخته می شود. هر درآژه مذکور، محتوی ۰.۳ گرم هیدرات کلرال است. دربی خوابی های منشاء عصبی و مالیخولیائی مصرف دارد. مقدار مصرف آن ۲-۸ درآژه با مقدار کمی آب است.

(Etendard): گلبرگ فوقانی گیاهان تیره نخود (تیره پروانه واران -

Papilionaceae) است که معمولاً از چهار قطعه دیگر جام گل بزرگتر می باشد.

خورجینک

خیساندن

درآژه ها

درفش

دورن بر	(Endocarpe): بخش داخلی میوه است که ممکن است به صورت لایه نازک غشائی درآید و یا سخت و محکم گردیده هسته را بوجود آورد.
دم کردن	(Infusion): دم کردن، انحلال ناقصی را گویند که از تاثیر آب جوش بر روی جسم دارویی یا عضوی از گیاه و قرار دادن آنها به مدت ۱۰ دقیقه تا یک ساعت به همان حالت، بدست می آید.
دنداندار	با این روش، مقداری از مواد مؤثر جسم دارویی یا اعضای گیاهان، تحت اثر حرارت در آب حل گردیده محلولی بدست می آید که تحت نام دم کرده، مورد استفاده قرار می گیرد.
دنداندار	(Denté): تضاریس کوچک برگ و یا قطعات پوشش گل را گویند مانند برگ نارون و کاسه یا جام برخی از گیاهان جدا یا پیوسته گلبرگ که منتهی به دندانهای کوچک می گردند.
دوپایه	(Dioïque): گیاهانی را گویند که گلهای نر و ماده بر روی دو پایه علیحده دارند. مانند گزنه دوپایه (Urtica dioica)، رازک و غیره.
دوتائی	(Geminé): اعضائی از گیاه را گویند که دوتائی سجاور هم قرار گرفته باشند مانند برگ بعضی از گیاهان تیره سیب زمینی که دوتائی (نه به وضع متقابل) سجاور هم مشاهده می گردند.
دوخانه	(Biloculaire): عضوی از گیاه مانند بساک یا تخمدان را گویند که بر اثر یک جدار داخلی به دو قسمت تقسیم شده باشد.
دورگه	(Hybride): گیاهی را گویند که از آمیزش دو گونه یا دو وارسته و حتی دو جنس مختلف نتیجه شده باشد.
دو قسمتی	(Dichotome): عضوی از گیاه مانند شاخه، دمگل و غیره است که انشعاب حاصل می نماید مانند Veronica (سیزاب) ها و برخی از Gypsophila ها که در آنها شاخه های حامل گل، تقسیمات دوتائی پیدایی نماید.
دولپه ایها	(Dicotyledoneae): گروه بزرگی از گیاهان گلدار است که در آنها، جنین دارای دولپه متمایز می باشد مانند نخود، بادام و غیره.
دیادلف	(Diadelphie): پرچمهایی را گویند که سبیله بعضی از آنها به هم پیوسته و برخی دیگر آزاد است مانند غالب پروانه واران (Papilionaceae) که

شی دینام	۱. پرچم دارند ولی سبیله ۹ پرچم آنها به هم پیوسته و فقط یکی آزاد است. (Didynme): پرچمهایی را گویند که به تعداد چهاراند و سبیله هر دو تائی آنها با هم برابر است بطوری که مجموعاً مرکب از ۲ پرچم بزرگ و ۲ پرچم کوچک می باشند مانند گیاهان تیره نعناع.
دیژستیون	(Digestion): عملی است که بدان وسیله، مواد دارویی و حلال را در یک مدت معین، تحت اثر گرمای مشخصی که زیادتر از حرارت های عادی ولی کمتر از درجه جوش حلال است ثابت نگه می دارند.
دیسپیلورها	شربت تلو، شربت تربانتین ویم ترانکی به طریقه دیژستین تویه می شوند.
راتافیا	(Disciflorae): گروه بزرگی از گیاهان گلدار جدا گلبرگ اند که در آنها نینج گل، به قسمت صفحه مانند سولد نوش منتهی می گردد.
راتافیا	(Ratafiats): راتافیاها مایعات الکلی معطر و بسیار شیرین اند که از آنها به عنوان نوشابه ضمن غذاویا دارو استفاده بعمل می آید. راتافیاها از نظر تهیه بر سه نوع زیر تقسیم می گردند.
	۱- انواعی که با عمل خیساندن تهیه می شوند.
	۲- انواعی که بر اثر تقطیر حاصل می گردند.
	۳- انواعی که از شیر میوه ها به دست می آیند.
	نام راتافیا بیشتر به انواع اخیر اطلاق می گردد. ازین راتافیاها به شرح نوع دارویی زیر مبادرت می شود:
	<u>راتافیای افسنتین:</u>
	الکلای افسنتین مرکب ۱۷۲۰ گرم
	قند ۱۲۰۰ »
	آب بهار نارنج ۱۸ »
	آب معمولی ۱۲۵ »
	سفیده تخم مرغ یک عدد
	این راتافیا، Absinthe aniséه نیز نامیده می شود.
رافه	(Raphé): خط برجسته ای است که از مجموعه دسته های آوندی در

رزین‌ها

تخمک خمیده بوجود آمده موجب ارتباط ناف به شالازی می‌شود.

(Résènes): مواد خنثی و عاری از اکسیژن‌اند که بیشتر در رزین‌های ترشح شده از گیاهان تیره‌های کاج Coniferae ، Burseraceae و Dipterocarpaceae دیده می‌شوند.

وجود هیچیک از ترکیبات اکسیژن‌دار مانند الکل‌ها، الئیدها، ستن‌ها اسیدها و غیره در آنها محقق نشده است. بعضی‌ها آنها را نوعی اکسی‌ترین تصور می‌نمایند.

رزین‌ها

(Résines): گروهی از فراورده‌های گیاهی و دارای ترکیب شیمیایی در هم‌اند. عموماً به استثنای تعداد نسبتاً زیادی، حالت آسرف دارند همه آنها جامدند و ظاهری کم‌ویش رنگی، سخت و شکننده دارا می‌باشند. انواعی از آنها نیز که در خود مقداری اسانس دارند، در موقع لمس کردن نسبتاً نرم احساس می‌شوند و به علاوه بوی اسانس مخصوص خود را می‌دهند. رزین‌ها در گرما تدریجاً نرم و سپس ذوب می‌شوند. از اختصاصات آنها این است که فرار نیستند و در موقع سوختن نیز شعله زیاد و دوده سیاه ایجاد می‌کنند.

رزین‌ها در آب غیر محلول اند ولی در الکل، اتروروغن‌ها به مقدار زیاد حل می‌شوند.

رزین‌ها از نظر کلی دارای کربن و هیدروژن زیاد ولی اکسیژن کم‌اند.

بنظر می‌رسد که رزین‌های طبیعی، حاصل اکسیداسیون اسانس‌ها در اندامهای گیاهان باشند.

در رزین‌ها مواد مختلف عطری، الکل‌های مخصوص (رزینول و رزینوتانول)، اسیدهای رزینیک، مواد خنثی و غیره یافت می‌شود.

ریزومیدها

(Rhizoïdes): سلولهای دراز و شبیه تارکشنده می‌باشند که عملی شبیه آن دارند. ریزومیدها، در خزها و پروتال نهانزادان آونددار، عمل جذب مواد را از زمین برعهده دارند. ریزومیدها در بعضی هپاتیک‌ها به صورت منشعب دیده می‌شوند.

ریزوم

(Rhizome): ساقه زیرزمینی است که از یک طرف آن، ریشه و از طرف دیگر آن ساقه‌های عوائی ایجاد می‌شود مانند زنبق.

ریشه نابجا

(Racine adventive): نوعی ریشه است که از قسمت‌های مختلف گیاه مانند ساقه، برگ و دمبرگ، تحت اثر شرایط مختلف بوجود می‌آید. در قلمه زدن و خوابانیدن، با ایجاد ریشه‌های نابجا، اقدام به تکثیر گیاهان می‌کنند.

ژله‌ها

(Géleés): ژله‌ها یا لرزانک‌ها، اشکال دارویی و غذایی را گویند که از قند و مواد صمغی مختلف یا ژلاتینی تشکیل یافته، ظاهر نرم و لرزان داشته باشند. ژله‌ها ممکن است دارای منشأ گیاهی یا حیوانی باشند. ژله‌های منشأ گیاهی، بتفاوت از آمیدون، فکول‌ها و صمغ‌ها، همراه با مواد مختلف لعاب‌دار، مواد عطری و غیره ساخته می‌شوند. حالت انجام یافته ژله‌سیوه‌ها به صورت لرزانک، مربوط به پکتین و اسید پکتیک موجود در سیوه می‌باشد. در ژله‌های منشأ حیوانی، ژلاتین خالص و بندرت سریشم ماهی، مواد سازنده آنها را تشکیل می‌دهد.

ژله آمیدون، از باز کردن آمیدون در آب سرد و جوشاندن آن پس از افزودن قند است که خاتماً، چند قطره تنظور معطر بدان می‌افزایند. ژله ثعلب از ۱۰ گرم گرد غده ثعلب، ۳۰ گرم قند و آب به مقدار کافی، جهت تهیه نیم کیلو ژله بدست می‌آید. به ژله ثعلب نیز، خاتماً، مواد معطر افزوده می‌شود.

ژولپ‌ها

(Juleps): نام ژولپ معمولاً به پوسینوهای زلالی اطلاق می‌شود که دارای صمغ می‌باشند. ژولپ‌های ساده، پوسینوهای ساده و فاقد صمغ می‌باشند.

ژولپ ساده، از مخلوط کردن شربت ساده به مقدار ۵ گرم، آب بهار - نارنج به مقدار ۳۰ گرم و آب مقطر به مقدار کافی تا ۱۰۰ میلی‌لیتر تهیه می‌شود (کدکس).

ژینوبازیک

(Gynobasique): نوعی خامه است که انتهای غیر آزاد آن، به درون تخمدان نفوذ کرده، به قاعده آن ارتباط پیدا می‌نماید مانند خامه مادگی

بعضی از گیاهان تیره نعناع.

ژینوفور

(Gynophore): قسمتی از محور گل است که در فاصله بین داخلی ترین حلقه پرچم ها و مادگی قرار دارد. در عده ای از گیاهان مانند Capparis ها، ژینوفور به صورت میله درازی درمی آید که یک انتهای آن به قسمت داخلی پایه پرچمها اتصال دارد و انتهای دیگر به مادگی ختم می شود. میله مذکور اگر به وضعی باشد که قاعده آن در داخل پوشش گل، جای داشته باشد ولی انتهای دیگر آن به نافه گل و مادگی ختم شود، در این حالت آن را **ژینوفور اندروژینوفور** (Androgynophore) نامیده می شود.

ساپونوزیدها

(Saponosides) یا ساپونین ها (Saponines): سوادى غالباً آسرف و فقط معدودی از آنها مانند هدرین (Hédérine) و دیژیتوکسین (Digitoxine)، دارای حالت متبلور می باشند.

عموماً در آب، الکل اتیلیک و متیلیک و محلول اندولی در اتروکلروفوم حل نمی گردند. اگر محلول آنها را در آب شدت تکان دهند، کف فراوان ایجاد می کنند. آسونیاک آنها را به رنگ زرد در می آورد. ساپونوزیدها عموماً با اسیدهای رقیق در حال جوش، هیدرولیز می گردند و از آنها یک سلکول قند و موادی تحت نام ساپونی ژن نتیجه می شود. ساپونوزیدها طبق تقسیم بندی Kobert به دو دسته متمایز زیر تقسیم می گردند:

۱- ساپونوزیدهای خنثی که به سهولت در آب حل می شوند و استات بازیک سرب آنها را رسوب می دهد. این دسته از ساپونوزیدها، ساپوتوب کسوزید Sapotoxoside نیز نامیده می شوند.

۲- ساپونوزیدهای اسید که در آب به مقدار کم حل می شوند یا اصولاً در آب حل نمی گردند ولی اگر قلیائیات به آب اضافه شود، در آن حل می گردند. استات خنثی سرب نیز آنها را رسوب می دهد.

ساپونین ها (ساپونوزیدها)، طعم تلخ دارند و تقریباً از راه خوردن، ایجاد سمومیت در انسان نمی کنند ولی اگر حتی به حالت محلول بسیار رقیق به خون تزریق شوند. موجب همولیز و از بین رفتن گلبولهای قرمز خواهند شد.

ساقه آغوش

(Amplexicaule): معمولاً برگهایی را گویند که قاعده پهنک آنها، ساقه را کاملاً فرا می گیرد مانند برگ *Papaver somniferum*.

ساقه مولد گل

(Hampe): ساقه ای را گویند که فاقد برگ است و فقط در قسمت انتهایی دارای گل می گردد. از این نظر باید آنرا ساقه حاصل گل نامید مانند بارهنگ *Plantago major*.

ساکاروله ها

(Saccharolés): از مخلوط کردن گرد قند با گرد سواد مختلف دیگر که به مقدار کمتر با آن مخلوط می گردند، نوعی گرد مرکب به دست می آید که نخستین بار توسط Béral، به نام ساکاروله نامیده شده است. این ناسگذاری به علت آن بوده است که ساکاروله ها، از گرد های مرکبی که مقدار کمتری قند در آنها به کار رفته متمایز باشند. به ساکاروله ها می توان ترکیبات دیگری که با تعریف فوق کاملاً تطبیق ندارد اضافه نمود.

ساکاروله ها ممکن است ساده یا مرکب باشند. نوع مرکب آنها در صورتی است که گرد قند، با چند نوع گرد و یا سواد مختلف همراه باشد.

از سائیدن مقدار ۳ گرم قند با ۱ قطره اسانس (یا ۷۲ قسمت قند و یک قسمت اسانس)، نوعی گرد به دست می آید که به آن ساکاروله اولئولیک (S. oléoliques) نام نهاده اند.

ساکاروله ژالاب کمپوزه

قند	۴۴۰ گرم
ژالاب	۶۰ »
بی تار ترات پتاسیم	۱۵ »
اسانس پوست نارنج	۸ »

برای تهیه آن، اسانس را با قند می ساینند و سپس بقیه را می افزایند و به خوبی مخلوط می کنند. هر گرم آن ۱۰۰ گرم ژالاب دارد.

ساکاروله ژالاب کمپوزه، دارای اثر تسهلی ملایم است و به مقدار ۸ تا ۱۲ گرم، مخلوط در ۵۰ گرم شربت پرتقال پخته شده مصرف می شود. (Sagou): نوعی ماده نشاسته ای است که از مغز ساقه بعضی درختان.

ساگو

نخل مانند *Metroxylon Rumphii* و *Raphia pedunculata* تهیه می‌گردد. برای این کار پس از قطع درخت، سبز ساقه آنرا له کرده در آب باز می‌کنند و به صورت خمیر درمی‌آورند. وعاری از ناخالصی می‌نمایند سپس از غربالی می‌گذرانند و دانه‌هایی به ابعاد تقریباً مساوی به دست می‌آورند که آنها را بر روی صفحات فلزی مخصوص خشک می‌کنند. ساگو ماده‌ای است سفید رنگ یا بایل به خاکستری و یا مایل به گلی و به قطر ۱ تا ۸ میلی‌متر که به علت سهل الهضم بودن به مصارف تنذیه اطفال می‌رسد.

سامار

(Samar): نوعی سیوه خشک و محتوی یک دانه است که کناره‌های آن نازک و دارای ظاهر بال مانند می‌باشد. وجود بال در این نوع سیوه‌ها سبب می‌گردد که سهولت انتشار و پراکندگی حاصل نمایند.

سترون کردن

(Sterilisation): سترون کردن، از بین بردن حیات میکروبیها و ژرم آنها، بمنظور به دست آوردن محیط‌های عاری از هر نوع آلودگی میکروبی است. سترون کردن یا استریل کردن، به طرق مختلفی صورت می‌گیرد که خلاصه مهمترین انواع آنها به شرح زیر است:

۱- سترون کردن با بخار آب که مدت آن با انتخاب درجه گرمای بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ و همچنین حجم ظروف بستگی دارد. استفاده از اتوکلاو که در آن، بخار آب با فشار بر روی لوازم سترون شدنی اثر می‌نماید، مطمئن‌ترین روش برای این کار است.

۲- سترون کردن با بخار خشک در گرمای بین ۱۵۰ و ۱۷۰ درجه انجام می‌گیرد و از آن غالباً برای استریل کردن فرآورده‌های روغنی استفاده به عمل می‌آید.

۳- سترون کردن در گرمای کمتر از ۱۰۰ درجه که مدت آن به تعداد دفعات حرارت دادن (مانند روش تندالیزاسیون Tyndaliation که در ۴ دفعه به فاصله ۴ ساعت انجام می‌گیرد)، درجه گرمای (که به تفاوت بین ۵۰ تا ۱۰۰ است) و همچنین نوع ماده سترون شدنی از اینکه به صورت محلول، سوسپانسیون، اسولسیون و غیره باشد بستگی دارد. در استفاده

از این روش باید توجه داشت که ظروفی که مواد سترون شدنی در آن جای داده می‌شوند قبلاً استریل شده باشند.

۴- سترون کردن با استفاده از صافی چینی با سوراخ‌های بسیار ریز که مانع عبور میکروبیها می‌شود.

۵- سترون کردن با استفاده از گازها مانند فرمالدئید (Formaldéhyde)، اکسید اتیلن (Oxide d' ethylène وزن (ogon)، در شرایط معین از نظر مدت درجه گرما، رطوبت و غیره.

از این روش برای سترون کردن بعضی از گرد‌های داروئی استفاده به عمل می‌آورند.

۶- سترون کردن با استفاده از اشعه ماوراء بنفش، اشعه گاما، الکترون‌ها و غیره.

سته

(Baie): سیوه‌های گوشتدار ناشکوف و محتوی دانه‌های پراکنده در بخش گوشتدار خود می‌باشند.

سته مانند

(Bacciforme): سیوه‌های شبیه سته.

سرکه‌های داروئی

(Vinaigre médicinaux): سرکه‌های داروئی، محلول‌های داروئی مایع می‌باشند که از تأثیر سرکه بر روی سواد داروئی و یا اعضای گیاهان که سواد سوئدر خود دارند به دست می‌آیند. سرکه‌ای که برای این عمل به کار می‌رود باید از شراب سفید تهیه شده باشد (سرکه افی سینال کد کس ۱۹۶۰) که مایعی زلال، به رنگ زرد روشن (عنبری) و دارای طعم اسیدی ملایم تند و مطبوع است. مصرف نوع قرمز سرکه نیز در بعضی کتب، مورد استفاده ذکر شده ولی مانند نوع افی سینال، قابل نگهداری نیست. سرکه افی سینال مذکور باید دارای ۶ درصد اسید استیک کریستالیزابل باشد بعلاوه اگر چشیده شود نباید بعداً احساس تلخی و گس بودن بشود که علامت ناخالص بودن و وجود سواد خارجی در آن است. سرکه افی سینال به مصارف داخلی و استعمال خارج می‌رسد و از آن برای تهیه سرکه‌های داروئی، اکسی‌سل‌ها (oxymels) و چند نوع شربت، استفاده به عمل می‌آید.

سرکه ویرژینال (V. virginial)

برای تهیه این سرکه، الکل، سرکه قوی و بنژوئن را به مقدار مساوی از هریک، در ظرفی سی ریزنده طوری که بنژوئن به خوبی خیس خورده و حل گردد سپس آنرا صاف می کنند. اگر چند قطره از این سرکه در آب وارد شود، آنرا شیرین رنگ می کند و بوی مطبوع بدان می بخشد.

سرکه ویرژینال، اثر محافظ و تقویت کننده پوست دارد.

سرکه معطر و ضد عفونی کننده

الکلای سلیس (بادرنجبویه) ۱۰ گرم

اسانس میخک ۴

— لیموترش ۱۰ قطره

— لاواند —

سرکه سفید ۶۰

مخلوط فوق را پس از صاف کردن با آب رقیق نموده به کار می برند. ولی می توان آنرا به صورت لوسیون نیز برای رفع بعضی ناراحتی های جلدی که با خارش همراه می باشد در موارد ضروری به کار برد (Dorvault, 1982).

(Soluetés): محلولهای دارویی را گویند که از انحلال ساده مواد در آب یا در آب مقطر و یا دم کرده اعضای گیاهان و غیره تحت اثر گرما و یا بدون مداخله آن، بدست می آیند. سولوته ها، متفاوت در مصارف داخلی و یا در استعمال خارج مورد استفاده قرار می گیرند بعضی از آنها نیز به صورت محلولهای قابل تزریق تهیه می شوند. از بین سولوته ها، سولوته استات-سرفین، سولوته افی سینال بروموفرم و سولوته تزریقی آدرنالین راشال می زنیم.

سولوته استات-سرفین، از انحلال ۸ گرم استات-سرفین در ۳ گرم آب، با افزودن ۳ یا ۴ قطره اسید استیک بدست می آید. مقدار مصرف آن ۶ تا ۳ قطره به عنوان آرام کننده است.

(Cyathium)؛ نوعی گل آذین گرزب مخصوص و چندسویه است که در Euphorbia ها دیده می شود.

سولوته ها

سیاتوم

سه‌نوینم (Synonyme): به معنای مترادف - نام قبلی گونه یک گیاه است که معمولاً بعد از نام جدید آن آورده می شود.

شاتون (Chaton): نوعی گل آذین سنبله است که در آن، گل‌های نریا ساده در کنار پراکنده ها و پراکنده های فرعی، در حول محور گل آذین جای دارند. در این نوع گل آذین، گلها معمولاً عاری از پوشش و یادارای آن ولی به صورت رشد نیافته اند.

شانه‌ای (Pennée): برگ سرکبی است که برگچه های آن دوجه دو در طرفین محور مشترکی که دسبرگ اصلی است قرار دارد مانند برگ عده زیادی از Astragalus ها.

شانه‌ای مضاعف (Bipennée): برگ سرکبی است که برگچه های آن به وضع شانه‌ای در طرفین محور فرعی مشترکی قرار داشته باشد بطوری که شانه‌ای مضاعف نشان داده شوند مانند برگ Acacia arabica .

شراب‌های دارویی (Vins médicinaux) - اشکال دارویی را گویند که از تأثیر شراب بر روی یک یا چند ماده دارویی و انحلال آنها بدست می آیند. شرابی که برای این کار مصرف می شود باید کلیه اختصاصات نوع مرغوب آنرا دارا باشد یعنی زلال و دارای رنگ واقعی وخالص، بوی قوی، طعم مطبوع و قابلیت اختلاط به هر نسبتی با آب باشد، بدون آنکه تجزیه شود و یا اختصاصات خود را از دست بدهد. شرابهائی که مورد مصرف قرار می گیرد عبارت از شراب قرمز و سفید (دارای حدود ۱ درصد الکل)، شراب‌های موسکات Muscats (دارای ۱۳-۱۰ درصد الکل)، شراب‌هائی به نام لیکور (Liqueur)، مانند شراب مالانگا (Malaga)، شراب مادر (Mader) و غیره، محتوی ۱۰ درصد الکل است. شراب‌های دارویی به طریقه خیساندن مواد در ظرف سر بسته و محتوی آن، بدست می آیند. مدت زمان خیساندن مواد در شراب نیز بر حسب نوع آنها تفاوت می کند.

شراب‌های طبی را درجای خنک و در بطری‌های سملو، که دهانه آن به خوبی مسدود شده باشد باید نگهداری کرد. شراب دارویی الفستین

سه‌نوینم

شاتون

شانه‌ای

شانه‌ای مضاعف

شراب‌های دارویی

از خیساندن ۳ گرم سرشاخه گلدار و برگدار آن در شراب سفید که قبلاً به مدت ۲ ساعت در ۶ میلی لیتر الکل ۶۰ درجه قرار گرفته باشد بدست می آید. مدت خیساندن افسنتین در شراب، ۱۰ روز است و گاهگاه نیز باید ظرف محتوی شراب و افسنتین را تکان داد و سپس صاف نمود و مصرف کرد (کدکس ۸۴).

از این شراب به عنوان مقوی تلخ، مقوی معده و ضد کرم استفاده می گردد

شربت ها

(Sirops) - محلولهای دارویی را گویند که دارای غلظت زیاد و حالت چسبنده اند. شربت ها ممکن است از انحلال ساده مقدار زیاد قند در آب یا شراب و یا در سرکه بدست آمده باشند و یا آنکه بعلاوه، مواد دارویی مختلف همراه داشته باشند. معادل ۲/۳ وزن شربت ها را معمولاً قند تشکیل می دهد زیرا غلظت زیاد شربت ها، نگهداری آنها را در شرایط مختلف میسر می سازد.

در شربت ها، مایعی که برای حل کردن قند بکار می رود ممکن است آب مقطر، سولوتنه ها، شیر گیاهان، دم کرده یا جوشانده های گیاهی، تنظوره های الکلی، محلول غلیظ عصاره ها و غیره باشد.

شربت اکونیت، از انحلال ۱ گرم تنظور ریشه اکونیت (۱/۱۰) در ۹۹ گرم شربت ساده بدست می آید و شربت کدئین از انحلال ۲ گرم کدئین در ۹۰ گرم الکل ۶۰ درجه و مخلوط کردن در ۸۴ گرم شربت قند که بدون مداخله گرما بدست آمده باشد، تهیه می شود.

شفت

(Drupe): سیوه گوشندار، ناشکوفه و محتوی یک هسته سخت است که در آن معمولاً یک دانه جای دارد مانند هلو.

شفت مانند

(Drupacé): سیوهائی را گویند که شباهت به شفت دارند.

شکوفه

(Déhiscent): سیوه ای است که خود بخود باز می شود و دانه ها را بیرون می ریزد مانند سیوه شب بو و خاک کشی.

شمع های دارویی

(Bougies): شمع های دارویی، نوعی اشکال دارویی برای وارد کردن در مجرای ادرار می باشند. شمع های دارویی، ظاهر استوانه ای و قابلیت

انعطاف دارند و قطر آنها متفاوت است. شمع های دارویی معمولاً برای باز کردن مجرای ادرار در موارد انسداد آن، به منظور تسهیل خروج ادرار به کار می روند. طول آنها ۱ تا ۳ سانتیمتر و قطر آنها ۲ تا ۴ میلیمتر می باشد.

شمع کافوری (Bougie camphrée) که از چربی گوسفند، سوم و گرد - کافور به نسبت ۱۰۰، ۱۰ و ۱۰۰ تهیه می گردد در بواسیر و درمان بیماری های رحمی مورد استفاده قرار می گرفته است.

شیاف ها

(Suppositoires): شیافها، اشکال دارویی مخروطی یا بیضی شکل و دارای حالت جامد می باشند.

در تهیه شیافها مواد مختلفی نظیر بوردو کائو، صابون، ژلاتین و غیره بکار می رود ولی بهترین کسی بیان برای تهیه آنها، همان بوردو کائو می باشد که گاهی همراه با مواد مانند سوم، لانولین و غیره بکار می رود. قطر شیافها بتفاوت به اندازه انگشت کوچک تا انگشت شست دست است. وزن آنها در انواع مورد استفاده برای اشخاص بالغ، معادل ۳ گرم ولی در انواع مخصوص اطفال، ۲ گرم می باشد (کدکس).

شیاف ها به طوری که Lewin و F. Eschbaum پیشنهاد نموده اند باید دارای اختصاصات زیر باشند:

۱- کاسلا استریل (سترون شده) باشند.

۲- طوری ساخته شده باشند که به سهولت بتوان آنها را وارد بدن نمود.

۳- مواد مؤثر آنها به خوبی با کسپیان مخلوط شده باشد.

۴- به سهولت قابل جذب باشند.

۵- مقدار مواد مؤثر شیاف، به همان مقدار دارو باشد که از راه دهان

مصرف می شود.

شیاف ها با دارا بودن اختصاصات مذکور، سریع تر از مصرف همان دارو از راه دهان جذب می گردند.

شیاف عصاره بلادون و مارونیدند، از عصاره بلادون و عصاره

مارونیدند بمقدار مساوی، ۱۰ گرم از هر یک و ۳ گرم بوردو کائو تهیه

می شود. مقادیر مذکور برای تهیه ۱۰ شیاف است (کدکس ۳۷).
از این شیاف برای تسکین و درمان بواسیر استفاده بعمل می آید.

شیزوژن (اسکیزوژن) (Schizogène): کیسه های ترشچی را گویند که از تقسیم یک سلول بچهار سلول و دور شدن آنها از یکدیگر و پیدایش حفره کوچک در بین آنها، حاصل می شوند. حفره مذکور به نسبتی که سلول های آن تقسیم حاصل می کنند بزرگ می شود و با این ترتیب، نوعی کیسه ترشچی بوجود می آید که معمولاً محتوی اسانس می باشد. کلمه Schizo تفاوت شیزوواسکیزو در کتب فارسی وارد شده است.

شیزوکارپ (Schizocarpe): میوه هائی را گویند که از یک تخمدان ۲ یا چند قسمتی نتیجه می شوند. تخمدان آنها نیز پس از رسیدن کاسل، بسه قطعات ناشکوفائی که معمولاً هر یک محتوی یک دانه می باشد تجزیه می گردد مانند میوه پنیروک.

شیزولیزین (Schizo - lysigène): نوعی کیسه ترشچی است که آغاز تشکیل آن مانند کیسه های ترشچی شیزوژن است با این تفاوت که اولاً سلولهای حول حفره مرکزی آن، بر اثر پیدایش جدارهای جانبی نیز تکثیر حاصل می کند ثانیاً داخلی ترین لایه آن که محدود به حفره مذکور می شود، از بین می رود بطوری که در داخل کیسه هائی که بدین نحو تشکیل می گردد، علاوه بر مواد ترشچی، بقایای جدار سلولزی سلولها مشاهده می شود.

صفحه روی نهنج (Disque): صفحه غالباً قرصی شکل و واقع در قسمت فوقانی نهنج است که اغلب مواد قندی مخصوص به نام نوش، ترشح می نماید مانند گیاهان گروه بزرگ Disciflorac که عموماً دارای صفحه روی نهنج به اشکال مختلف می باشند.

صمغ ها (Gommes): صمغ ها، طعم بدون سزه و حالت چسبنده دارند. در الکل، اثر مواد چرب غیر محلول اند. با شابهتی که صمغ ها و موسیلاژها با یکدیگر دارند، پیدا کردن حدفاصل قاطعی که این دو دسته را از یکدیگر متمایز سازد مشکل به نظر می رسد معیناً می توان گفت که کلمه صمغ به سواد

اطلاق می شود که مانند صمغ عربی و صمغ درخت گیلان (انگم)، از اعضاء گیاه به خارج ترشح می گردد و این عمل نیز به طور خود به خود و یا بر اثر ایجاد شکاف و زخم در اعضاء گیاهان انجام می گیرد ضمناً صمغ ها همیشه بر اثر از بین رفتن غشاء سلولزی به وجود می آیند در حالی که موسیلاژها بر اثر ایجاد زخم در اعضاء گیاه، به خارج ترشح نمی گردند و بعلاوه همیشه نیز بر اثر از بین رفتن غشاء سلولزی حاصل نمی شوند بلکه از فعالیت پروتوپلاسم سلول نتیجه می گردند.

صمغ ها یا گم ها، ترکیبات درهم گلوئیدی می باشند که به حالت طبیعی و یا بر اثر ایجاد شکاف از اعضای مختلف بعضی از گیاهان به خارج ترشح می شوند.

صمغ ها مواد غیر قابل تبلور و فاقد بومی باشند. اگر در آب قرار گیرند در آن حل می شوند و یا مانند کتیرا با آن به صورت توده ژلاتینی در می آیند. با قرار دادن انواع مختلف صمغ در آب، تمام مراحل حدواسط بین دو حالت مذکور راسی توان در آنها دید. صمغ ها اگر هیدرولیز شوند، بر حسب نوع صمغ، ایجاد آرابینوز، گالاکتوز، گاهی گزیلوز و غیره می نمایند.

(Gataplasmes): مواد داروئی برای استعمال خارج اند. حالت خمیری و نرم دارند و از اختلاط آرد، مواد نشاسته ای یا لعابی و گردهای مختلف، همراه با یک مایع تهیه می شوند. مایع سورا استفاده در تهیه ضماد نیز ممکن است آب، دم کرده یا جوشانده های گیاهی، شراب و یا شیر باشد. تهیه آنها با مداخله گرما و یا بندرت بدون آن صورت می گیرد.

برای تهیه ضماد هائی که با مداخله گرما تهیه می شوند، ابتدا آرد رادر آب وارد می کنند و به هم می زنند تا مخلوط سفید رنگی بدست آید سپس آنرا می پزند و مرتباً به هم می زنند تا حالت غلظت یافته و نسبتاً سفت پیدا نماید.

در مواردی که افزودن مواد داروئی مانند گردهای معطر، کافور، اسلح مختلف، روغن ها، اونگان ها، تنطوره های الکلی و غیره ضرورت داشته باشد، این مواد را با ضماد بدست آمده مخلوط می کنند و یا آنکه

ضمادها

آنها را در سطح ضماد هنگام بکاربردن، وارد می‌سازند زیرا مواد مؤثر واقع در درون ضماد، نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و فقط قسمتهای سطحی ضماد است که با پوست بدن در حال تماس می‌باشد (کدکس ۸۴).

از ضمادها بر حسب نوع دارویی که در بردارند، به عنوان نرم کننده ناحیه ملتهب پوست، بازکننده دمل، قرمز کننده پوست بدن، آرام کننده ناراحتی های جلدی و غیره استفاده به عمل می‌آورند. به ضمادها غالباً مواد دارویی به صورت گرد، روغن، پماد، عصاره و غیره می‌افزایند. برای آنکه ضمادها، گرما را در خود نگه دارند آنها را از یک لایه پارچه نازک پشمی یا تافته می‌پوشانند با این عمل اگر ضمادها بتوانند مدتی طولانی رطوبت کافی خود را حفظ کنند، اثر درمانی آنها پس از قرار گرفتن بر روی پوست بدن، در محیط گرم و مرطوب بیشتر خواهد شد. بعلاوه ضمادها را طوری بر روی پوست بدن قرار می‌دهند تا سطح بیشتری از آنها با پوست تماس داشته باشد.

ضمادهای بازکننده دمل باید به حالت گرم بر روی پوست اثر داده شود ولی ضمادهای آرام کننده ناراحتی های جلدی، باید گرمای معتدل داشته باشند.

ضمادهائی را که بر روی توبورها و ناحیه متورم و دردناک قرار می‌دهند باید از نوع سرد باشد. ضمادها را معمولاً دو بار در روز تجدید می‌نمایند. ضمادها را ممکن است به حالت طبیعی به کار برند و یا به طوری که ذکر شد در داخل دولایه پارچه جای داده بر روی پوست بدن قرار دهند.

ضماد ساده، از یاز کردن آرد دانه کتان در آب سرد و سپس حرارت دادن و هم زدن آن تا حدی که غلظت حاصل نموده تورم پیدا کند، تهیه می‌شود و یا آنکه آرد دانه را در آب جوش وارد ساخته آنرا تهیه می‌کنند. از بین ضمادها، ضماد آرام کننده (C. calmant)، ضماد آرد سیب زمینی، ضماد خردل یا سیناپسیم (رجوع شود به صفحه ۲۲۸ جلد اول این کتاب) و ضماد ضد عفونی کننده (C. antiseptique) را نام می‌بریم.

طب عوام	(Médecine populaire): منظور از طب عوام، طبابتی است که عامه مردم با داشتن اطلاعاتی از خواص گیاهان دارویی و یا داروهای دیگر و یا فرآورده های آنها، به درمان بیمارها می‌پردازند.
عصاره ها	(Extraits): اشکال دارویی متنوعی را گویند که از تأثیر حلالهای مختلف بر روی مواد دارویی گیاهی یا حیوانی و تبخیر و تغلیظ محلول حاصل، نتیجه می‌گردند.
هلیقی	حلالهای مورد استفاده در تهیه عصاره ها عبارت از آب، الکل، اتر و غیره است. عصاره ها به صورت مختلف روان، نرم، سفت و خشک اند.
غده زیر زمین	(Herbacé): گیاهانی را گویند که کم دوام و فاقد اعضای سخت و چربی می‌باشند مانند Ranunculus ها.
غشائی	(Tubércule): قسمت متورم و زیرزمینی ریشه یا ساقه گیاهان است مانند غده های زیرزمینی سیب زمینی ترشی، سیب زمینی و غیره.
خلاف، لیام	(Membraneux): اعضای گیاهان را گویند که نازک و شفاف اند مانند استیپول غشائی گیاهان تیره Polygonaceae و کناره سیوه خشک عده زیادی از گیاهان منجمله Isatis ها.
فارماکوپه	(Gaine): قاعده دمبرگ است که در بعضی برگها، پهن گردیده قسمتی از ساقه را فرا می‌گیرد مانند برگ غلات.
فراهم	(Pharmacopée): کتاب دارویی و شامل مجموعه دستورهای تهیه دارو، فارماکوپه نامیده می‌شود.
فکول ها	(Verticillé): برگ یا عضو دیگری از گیاه است که به صورت فراهم در اطراف محوری دیده می‌شود مانند خرزهره که برگ فراهم در یک نقطه ساقه دارد.
	(Fécules): مواد نشاسته ای حاصل از سیوه غلات، اصطلاحاً آمیدون و مواد نشاسته ای گیاهان دیگر مخصوصاً اعضاء زیرزمینی آنها، فکول نامیده می‌شود مانند فکول سیب زمینی که از غده های زیرزمینی Solanum tuberosum تهیه می‌گردد و فکولی به نام مانیوک Manioc که ساده نشاسته ای حاصل از ریشه غده ای بعضی از Manihot ها که در

تیره فریون جای دارند، به دست می آید.

باید توجه داشت که غالباً در ریشه ستورم بعضی از گیاهان، فکول ها دارای سواد تلخ و سمی می باشند مانند فکول Arum ها، Dioscorea ها، Manioc amer و غیره.

فکول خالص به صورت گرد سفید رنگ، فاقد بو و طعم است و اگر در مجاورت هوا قرار گیرد فاسد نمی شود و اگر در آب به جوشد، ذرات آن باد کرده ستورم می گردد.

(Ecaille): هر یک از قطعات کوچک و چربی و یا گوشتدار اعضای گیاهان است که مانند پیاز معمولی همدیگر را می پوشانند و یا به نحو فشرده بر روی هم قرار می گیرند. این حالت در جوانه انتهائی ساقه که برگهای جوان و اولیه آن، درون فلسهائی پوشیده می باشد و در کاپیتول گیاهان تیره Compositae که انولوکر آنها شامل براکته های فلس مانند است به خوبی مشاهده می گردد.

(Akène): سیوه خشک ناشکوفه و محتوی یک دانه آزاد است مانند سیوه آفتاب گردان.

(Follicule): سیوه خشک و شکوفائی است که از یک برچه محتوی دانه های متعدد تشکیل یافته و معمولاً بایک شکاف طولی باز می شود مانند سیوه Aquilegia vulgaris که از فولیکول تشکیل می یابد.

(Funicule): پایه تخمک است که آنرا به جهت مربوط می سازد.

(Comprimés): اشکال داروئی به صورت مختلف گرد، استوانه ای، مسطح یا عدسی شکل و غیره اند که از فشردن داروهای سختان در دستگاه مخصوص تهیه می گردند و غالباً نیز برای محفوظ نگه داشتن آنها از تأثیر عوامل محیط و یا مخفی ساختن طعم ناپسند آنها، سطح آنها را از سواد مختلف می پوشانند.

قرص های داروئی را معمولاً بدون جویدن با آب می بلعند و یا آنها را به قطعاتی تقسیم کرده مصرف می نمایند.

(Coeur du bois): طبقات چوب قدیمی که از منطقه سولد دور

قلب چوب

می باشند و علاوه با مقاوم تر و تیره رنگ تر از چوب سطحی یعنی اوپیه می باشند، قلب چوب نامیده می شوند.

(Capitule): نوعی گل آذین مخصوص است که در آن، گلها بدون واسطه دسگل، بر روی نهنج مشترکی قرار دارند مانند کاپیتول گل- داودی و بومادران.

(Sépale): هر یک از قطعات یا تقسیمات کاسه گل است که معمولاً سبز رنگ و گاهی به رنگ های دیگر دیده می شود.

(Calicule): کاسه کوچکی است که در خارج کاسه گل بعضی از گیاهان دیده می شود مانند توت فرنگی و پنیرك.

تعداد قطعات کاسه فرعی گل، در رده بندی گیاهان تیره پنیرك و تشخیص آنها، کمک مؤثر می نماید.

(Calice): خارجی ترین پوشش گل است که ممکن است مرکب از قطعات جدا یا پیوسته به هم باشد.

(Cachets)- کاشه ها، اشکال داروئی مدور و مرکب از دو قطعه کوچک با ظاهر طشتک مانند می باشند که هردو تنای آنها در داخل یکدیگر جای داده می شوند و یا لبه آنها به کمک دستگاه مخصوص یکدیگر چسبیده می شود.

کاشه ها، از نشاسته خالص گندم (آبیدون) تهیه می گردند بدین نحو که نشاسته خالص گندم را به صورت خمیر در آورده می پزند و بصورت ورقه های پهن در آورده با دستگاههای مخصوص، بصورت کاشه در می آورند.

در داخل کاشه ها معمولاً گرد های داروئی جای داده می شود. سواد درون کاشه ها را ممکن است به رنگ های مختلف در آورد و یا بر روی کاشه، نوع آنرا که محتوی سواد داروئی معینی است، چاپ کنند.

بر کردن کاشه و چسبانیدن لبه های دو طشتک کوچک به یکدیگر، به کمک دستگاههای مخصوص صورت می گیرد. کاشه های حاصل از نشاسته خالص گندم، قابلیت انعطاف بیشتری دارند و بهتر از نوع حاصل

کاپیتول

کاسبرگ

کاسه فرعی

کاسه گل

کاشه ها

از نشاسته ذرت نگهداری می‌شوند (کد کس ۱۹۳۷).

کالیسیفلورها

(Caliciflorae): گروه بزرگی از گیاهان گلدار جدا گلبرگ‌اند که در آنها، ازبه هم پیوستن قاعده کاسه، جام و نافه گل، نوعی پیاله یا جام در قسمت انتهائی دسگل بوجود می‌آید که مادگی گل در آن قرار دارد. با این ترتیب تخمدان پائین‌تراز سطح سایر قطعات گل بنظر رسیده، وضع نیمه‌تحتانی یا تحتانی پیدا می‌کند.

کپسول

(Capsule): ناحیه ستوم و انتهائی اسپوروگون است که در غالب خزه‌های اصلی بر روی پایه باریکی به نام تار قرار دارد. نوعی از سیوه‌های خشک و شکوفا نیز کپسول نامیده می‌شود که تحت نام پوشینه در این کتاب وارد شده است.

کپسول‌ها، دارای اشکال داروئی بیضی شکل یا بیضی دراز و محتوی سواد داروئی مختلف می‌باشند. ماده تشکیل دهنده کپسول‌ها، ژلاتین است. با مصرف کپسول‌ها، طعم و بوی ناپسند داروهای که درون آن جای دارد، حس نمی‌گردد یعنی در واقع، مصرف این گونه داروها به سهولت میسر می‌شود.

در تهیه کپسول‌ها باید همواره به این نکته توجه گردد که سواد داروئی درون آن که به صورت مختلف سابع یا گردو یا خمیری شکل است بر اثر تماس با جدار کپسول، نتواند آنرا نرم نماید و یا تغییر شکل دهد.

انواع کوچک و کروی کپسول‌ها، سروارید یا پرل (Perle) نامیده می‌شود که آنها نیز محتوی سواد داروئی می‌باشند.

سواد متشکله کپسول‌ها به شرح زیر است:

ژلاتین افی سینال	۱۰۰
گلیسیرین	۵۰
آب مقطر	۱۲۵

ابتدا ژلاتین را در آب مقطر وارد نموده چند ساعت می‌خیسانند. سپس گلیسیرین افزوده در بن‌ساری حرارت می‌دهند. بعداً قالب‌های کوچک فلزی و آلوده به روغن را که بر روی پایه‌های باریک جای دارند در

محلول وارد می‌کنند. با این عمل قشرنازکی از محلول بر روی قالب می‌بندد که بر اثر تکرار این عمل، ضخامت بیشتر پیدا می‌کند. با سرد شدن مختصر ژلاتین ضمن حرکت دادن قالب‌ها در هوا، کپسول‌ها را از آن به سهولت خارج می‌کنند. در این هنگام آنها را در اتوو یا گرمای ۲ تا ۲۵ درجه خشک می‌نمایند.

دهانه کپسول‌های آماده را بعداً پس از پر کردن از مواد داروئی، با کمی محلول ژلاتین می‌بندند.

نوعی کپسول نیز جهت جای دادن گردهای داروئی وجود دارد که هر یک، از ۲ نیمه کپسول تشکیل یافته است. دهانه یکی از دو نیمه کپسول کوچک‌تر از دیگری است بطوریکه پس از پر کردن سواد داروئی، می‌توان نیمه کوچک کپسول را در داخل دیگری جای داد و به صورت یک کپسول کامل درآورد.

(Dorvault و Codex)، کتب داروئی می‌باشند که فرمول تهیه سواد داروئی و اختصاصات داروها در آن‌ها وارد شده است.

(Stigmate): قسمت انتهائی مادگی است که غالباً برجسته و یا به اشکال مختلف می‌باشد.

(Collutoires): فراورده‌های داروئی با حالت نیمه مایع و دارای ترکیبات بسیار متغیرند که از آنها در بیماریهای مربوط به حفره دهان، به صورت مالیدن بر روی لثه و مخاط دهان استفاده بعمل می‌آید.

(Columelle): سیله باریک یا قسمت تیغه‌مانندی است که در ناحیه مرکزی کپسول خزه‌های اصلی دیده می‌شود و تا ناحیه رأس کپسول نیز ادامه پیدا می‌نماید (مانند Bryales) و یا آنکه تا وسط کپسول ادامه داشته به انتهای آن نمی‌رسد (مانند Sphagnum ها). در تمکن محوری، ازبه هم پیوستن کناره برچه‌ها، سیله‌ای بوجود می‌آید که کلوسل نامیده می‌شود.

در کفک‌ها نیز قسمتی از پایه‌ها گدان که به درون آن نفوذ می‌نماید، به کلوسل موسوم است.

کد کس

کلاله

کلوتوا

کلوسل

کولیرها

(Collyres): کولیرها داروهای مخصوص بیماریهای چشم و دارای سه حالت مایع، جامد و یا به صورت گاز می باشند ولی آنچه که بیشتر مورد مصرف قرار می گیرد، کولیرهای مایع است که با قطره چکان وارد چشم می گردد و یا توسط چشم شوی به، صاف شستشوی چشم می رسد. در کولیرهای مایع، حلال مواد داروئی ممکنست آب و یاروغن (مانند روغن زیتون خنثی) باشد.

گرانولها

(Granules): گرانولها، حب های بسیار کوچک و محتوی مواد مؤثره قوی می باشند. وزن آنها از حب ها کمتر و در حدود ۰.۳ تا ۰.۶ گرم است. مواد بی اثری که در تهیه گرانولها بکار می رود عبارت از گرد-لاکتوز، صمغ عربی و شربت ساده است.

گرانولها به تفاوت دارای ۱/۱۰ میلیگرم یا یک میلی گرم از مواد مؤثره می باشند. گرانولهای دارای ۱/۱۰ میلیگرم از مواد مؤثره، از گردهای افی سینال ۱/۱۰۰ تهیه می گردند و آنها را به رنگ گلی درمی آورند. گرانول آکونی تین از گرد آکونی تین ۱/۱۰۰ به مقدار یک گرم، قند شیر به مقدار ۳ گرم، گرد صمغ عربی به مقدار یک گرم و شربت ساده به مقدار کافی جهت تهیه ۱۰۰ گرانول، ساخته می شود.

گرانولهای دیژیتالین و استروفا تین نیز که هر یک ۱/۱۰ میلیگرم مواد مؤثره دربر دارند با روش فوق تهیه می گردند. همه گرانولهای مذکور بسیار سمی هستند و با تجویز پزشک معالج باید مورد استفاده بیمار قرار گیرند.

گردها

(Poudres) - اشکال داروئی را گویند که از خرد کردن مواد داروئی، بطوری که به صورت ذرات ریز گرد مانند درآید بدست می آیند. گرد کردن مواد داروئی، به صورت مختلف و با توجه به صفات فیزیکی و شیمیائی آنها انجام می گیرد. مواد گرد شدنی باید کاملاً خشک باشند و این عمل نیز ممکن است در گرمای خورشید و یا در اتوو صورت گیرد. خشک کردن گم رزین ها، زعفران و غیره باید بدون مداخله گرما و قرار دادن آنها در زیر سرپوشی که در آن یک ماده جاذب الرطوبه جای دارد انجام گیرد. خشک کردن

اسلاح نیز که منظور، خارج کردن آب تبلور از آنهاست در اتوو (Etuve) صورت می گیرد.

گرزن

(Cyme): نوعی گل آذین است که در آن، انشعابات جانبی محور اصلی، از رأس آن تجاوز می نماید. گل آذین گرزن صور مختلف دارد.

گرزن دوسویه

(Cyme bipare): نوعی گل آذین گرزن است که در آن، رأس دمکل به یک گل ختم می شود و از دو طرف آن، انشعابهای دوتائی بوجود می آید که تقسیمات هر یک دارای گل می گردد.

گرزن یکسویه

(Cyme unipare): نوعی گل آذین گرزن است که معمولاً به دو صورت ساریچی و دم عقربی دیده می شود.

در نوع ساریچی (C. hélicoïde)، از کنار براکته ای که در پایه گل و رأس محور قرار دارد، انشعاب کوتاهی خارج می شود که به نوبه خود منتهی به گل می گردد. از کناره براکته گل اخیر نیز به همین نحو ولی در جهت مخالف، انشعاب دیگری حاصل می شود که آن نیز منتهی بگل می گردد. با این ترتیب چون مرتباً بطور یک در میان از دو سمت مخالف، انشعاب پدید می آید، مجموعاً منظره ساریچی حاصل می شود. در نوع دم عقربی (C. scorpioïde) به خلاف حالت مذکور، همه انشعابها در یک طرف حاصل می شود. در نتیجه، گل آذین شکلی برگشته نظیر دم عقرب پیدا می نماید.

گل آذین

(Inflorescence): وضع قرار گرفتن گلها بر روی ساقه، گل آذین نامیده می شود.

گل آذین چتری

(Ombelle): نوعی گل آذین است که در آن، دمکلها مانند اشعه چتر یک نقطه منتهی می شوند. این گل آذین چون ظاهر چتر مانند دارد از این جهت به گل آذین چتری موسوم می باشد مانند گل آذین پاسچال و برخی گیاهان تیره جعفری.

در گل آذین چتری ساده که شرح داده شد اگر هر یک از اشعه چتر، به گل آذین چتری دیگری منتهی شود، گل آذین چتری مرکب حاصل می شود مانند هویج.

که به نسبت های متفاوت، توأم با سواد آلی دیگر در گیاهان مختلف بوجود می آیند.

گم زرین های بیشتر در اعضای گیاهان مناطق گرم کره زمین، مانند تیره های Umbelliferae و Terebinthaceae بوجود می آیند. این سواد گاهی بطور خود بخود از گیاهان به خارج ترشح می شوند ولی معمولاً با ایجاد شکاف در اعضای گیاهان، اقدام به خروج آنها می کنند. گم زرین ها پس از خروج از اعضای گیاهان می بندند و برای خشک کردن آنها نیز از گرمای خورشید استفاده بعمل می آورند.

در گم زرین ها، مقدار نسبی ساده رزینی همیشه بیشتر از ساده صمغی است. بعضی از گم زرین ها نیز مقدار زیادی اسانس همراه دارند. از گم-رزین های مهم، آنغوزه و باربیجه را مثال می زنیم. با قرار دادن گم زرین ها در آب، ماده صمغی و با تأثیر الکل، سواد رزینی آنها حل می شود.

(Cariopa): پیوه خشک و ناشکوفائی است که در آن به خلاف فندقه ها، چدار پیوه به دانه منحصر به فرد آن چسبیده است مانند گندم.

(Apétales): گیاهان فاقد جام ولی دارای کاسه گل می باشند. در بین آنها انواعی با گل های کاملاً برهنه (دارای کاسه کاملاً رشد نیافته) نیز دیده می شود.

(Latex): لاتکس ها یا شیرابه ها، سوادى با حالت شیری و دارای ترکیبات متفاوت اند که گاهی به رنگ های مختلف در اعضای گیاهان بوجود می آیند. مجاری مخصوصی نیز که این سواد در آنها جریان دارد لاتیسفرناسیده می شود.

در شیرابه ها، بعضی سواد مانند اسلح معدنی، گلوئیدها، پروتیدها و الکلوئیدها، حالت محلول و برخی دیگر مانند رزین ها، سواد چرب و کائوچوک، حالت پراکنده در یک بخش مایع دارند.

شیرابه شیری رنگ در Papaver ها، شیرابه زرد رنگ در Chelidonium ها و شیرابه قرمز رنگ در Sanguinaria ها دیده می شود.

شیرابه هادر مجاری ترشحي لاتکس، مرکب از سلول های منفرد یا

گندم

گیاهان بی گلبرگ

لاتکس

گل آذین خوشه (Grappe): نوعی گل آذین است که در آن، گلها با واسطه دسگهای خود بر روی محور مشترکی قرار داشته باشند مانند اقاتیا.

گل آذین دپیم (Corymbe): نوعی گل آذین ساده است که در آن، گلها به نسبتی که به انتهای گل آذین نزدیک می شوند، دارای دسگهای کوچک سی گردند بطوری که رأس آنها، واقع در یک سطح بنظر می رسد مانند گل آذین دپیم گلایی.

گل آذین سنبله (Epi): نوعی گل آذین خوشه است که در آن، گلها بدون واسطه دسگل بر روی محور مشترکی قرار دارند مانند بارهنگ.

گلبرگ (Pétale): هر یک از قطعات یا تقسیمات جام گل است که معمولاً رنگین و گاهی به علت دارا بودن اسانس های مختلف، معطر می باشد.

گلبرگ مانند (Pétaloïde): پتالوئید به معنای گلبرگ مانند است، مانند کاسبرگهای زبان پس فنا (Delphinium) که به رنگ گلبرگهاست.

گل منظم (Actinomorphe): گلنایی را گویند که قطعات آن شبیه به هم بوده دارای تقارن شعاعی می باشند.

گل نامنظم (Zygomorphe): گلنایی را گویند که اجزای سشکله آنها با هم شبیه نبوده به خلاف گل های منظم، نسبت به یک سطح، تقارن داشته باشند مانند Veronica ها.

گل نرم ماده (Hérmaphrodite): گلنایی را گویند که هم پرچم و هم مادگی داشته باشند مانند گل ختمی و شب بو.

گلیسره ها (Glycerés) و گلیسروله ها (Glycerolés): داروهای دارای گلیسیرین و آمیدون بوده حالت نیمه جامد دارند. با حرارت دادن ملایم مخلوط سواد مذکور، ماده نیسه جامدی با غلظت لعاب نشاسته بدست می آید که در استعمال خارج مورد استفاده قرار می گیرد. نام گلیسره متفاوت به فرآورده های دارای گلیسیرین که در آنها سواد جامد یا مایعی جانشین نشاسته گردیده است و همچنین به بعضی محلولات دارویی و مخلوط سواد مختلف نیز اطلاق شده است.

گم زرین ها (Gommes - résines): مخلوط طبیعی سواد صمغی و رزینی می باشند

به دنبال هم با جدار عرضی سوراخ دار و یا به صورت مشبک، جریان دارند. این سلول ها و مجاری، در پارانشیم ها، مخصوصاً در بابت آبکش اعضای گیاهان دیده می شوند.

(Cotylédone): نخستین برگی است که از نمو رویان دانه نتیجه می گردد و معمولاً دارای شکل ظاهری ساده است.

(Lobe): هر یک از تقسیمات مدور برگ، گلبرگ یا کاسبرگ و غیره، لوب نامیده می شود.

(Lotions): مایعات دارویی را گویند که معمولاً از آب و بندرت از آب-الکل دار همراه با مواد دارویی تهیه می گردند. مواد دارویی لوسیونها ممکن است حالت محلول و یا معلق در مایع داشته باشد. لوسیونها به مصارف شستشوی قسمتهای مختلف پوست بدن و زخمها می رسند.

از لوسیونها به صورت کمپرس و یا پنبه آغشته به آن، با اثر دادن و یا مالیدن بر روی زخم و جراحات استفاده بعمل می آورند. از بین لوسیونها یک نوع آنرا که جهت شستشو و اثر دادن بر روی زخم های بدخیم و سرطانی مصرف دارد شرح میدهم:

برگ تازه لوریه سربز (جل) ۷۵ گرم
آب جوش ۱۰۰

از برگ لوریه سربز (Laurier - cerise) و آب جوش، دم کرده تهیه نموده، ملیت ساده که شربت عسل نیز نامیده می شود به آن می افزایند. ملیت ساده از حرارت دادن ۲۰۰ گرم عسل سفید خالص در ۱۰۰ گرم آب به دست می آید.

(Loochs): نام لوک به لوسیونها محتوی یک اسولوسیون روغنی که به وسیله یک ماده لعابی، کم و بیش غلظت حاصل کرده باشد اطلاق می گردد.

لوک ها، حالت گذر و ناز و غلظتی هربت مانند دارند. لوک ها را باید در هنگام مصرف تهیه نمود زیرا به سرعت فاسد می گردند. از بین انواع لوک ها، لوک سفید، لوک آمیدون، لوک سبز یا لوک پسته و لوک روغنی را نام

لپه

لوب

لوسیونها

لوک ها

می بریم،

فرمول وطرز تهیه لوک روغنی:

روغن بادام شیرین ۱۵ گرم
گرد صمغ عربی ۱۵ »
شریت صمغ ۳۰ »
آب بهار نارنج ۱۵ »
آب مقطر به مقدار کافی تا ۱۵۰۰ »

ابتدا سوسیلازی با افزودن صمغ عربی به شربت تهیه می کنند و آنرا به شدت تکان می دهند سپس روغن بادام شیرین را تدریجاً به مقدار کم وارد نموده آب مقطر را بدان می افزایند و بعداً آب بهار نارنج می ریزند و به خوبی مخلوط می کنند (کدکس).

(Lysigène): نوعی کیسه ترشچی است که بر اثر از بین رفتن برخی سلولها در اعضای گیاهان، و پیدایش حفره هائی که به سلولهای زنده محدود می گردد حاصل می شود.

(Lixiviation): لیکسیویاسیون عبارت از عبور حلال، به حالت گرم یا سرد از ظرف استوانه ای شکل محتوی گرد ماده دارویی است. با این طریقه پس از آنکه حلال از گرد مذکور عبور نمود و از سوراخ قاعده آن خارج گردید، دارای قسمتی از مواد دارویی گرد مذکور می گردد. دستگاهی که این عمل در آن انجام می گیرد، پرکولاتور (Percolateur) نامیده می شود.

(Ligule): زائده کوچکی است که در قاعده برگها، در حد غلاف و بهنگام بوجود می آید. مانند برگ غلات (Graminae). زائده برگ برخی گیاهان بی گل، مانند Selaginella هائیز لیگول نامیده می شود.

(Limonades): نوشابه های کمی شیرین و ترش سزه ای هستند که به عنوان مفرح یا مسهل و غیره مصرف می شوند. لیمونادها از سیوه های ترش سزه (لیموترش) و یا محلول هائی که به وسیله اسیدهای آلی یا معدنی ترش شده اند تهیه می گردند.

لیزهون

لیکسیویاسیون

لیگول

لیمونادها

تزریقی آورده شده است.

محلول های تزریقی (Solutés injectables) رایج سه دسته زیرتقسیم می نمایند:

۱- محلول های تزریقی به حجم های کم تا ۲ میلی لیتر که باید عموماً استریل شده باشند.

۲- محلول های تزریقی به حجم های زیادتر از ۲ میلی لیتر که باید استریل شده و آپیروژن Apyrogène باشند.

۳- محلول های مخصوص و فراورده هایی که به مصارف تغذیه ، ضد عفونی کردن و درمان های موضعی می رسند و روش تهیه آنها مانند محلول های تزریقی است.

محلول اسید بوریک Eau boriquée

اسید بوریک متبلور ۳ گرم

آب مقطر جوشان ۹۷ cc

اسید بوریک را در آب جوشان حل کرده و پس از آنکه سرد شده ، صاف می نمایند (کد کس ۱۹۳۷ ، ۱۹۴۹). محلول حاصل برای شستشوی چشم مصرف دارد.

محلول تزریقی گلوکز ایزوتونیک

گلوکز افری سینال انیدر ۵۰ گرم

آب مقطر به مقدار کافی تا ۱۰۰۰ میلی لیتر

پس از حل کردن گلوکز در آب مقطر، آنرا در اتوکلاو به مدت ۲ دقیقه در گرمای ۱۱۰ درجه استریل می نمایند. محلول حاصل، اثر زیاد کننده حجم دفع ادرار را دارد به علاوه غذای انرژی زا برای بیماران است. تزریق آن از راه درون وریدی ، به مقدار یک لیتر در روز و از راه زیر جلدی به مقدار ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلی لیتر در روز می باشد. جذب آن با روش اخیر به تانی صورت می گیرد.

مداد های داروئی (Crayons médicamenteux): مداد های داروئی که قلم های داروئی

نیز نامیده می شوند ، ظاهر استوانه ای شکل دارند و از ذوب کردن مواد

مداد های داروئی

لینیمان ها

(Liniments): دارو های مالیدنی بر روی پوست بدن و دارای حالت مایع یا پمادی شکل اند. در لینیمان ها ماده ای که دارو های مختلف را در بر می گیرد، ممکن است روغن، مخلوطی از مواد چرب یا بطور ساده، مایعات الکلی و یا آنکه صابونی باشد. از این جهت بردودسته: لینیمان های روغنی و لینیمان های صابونی (بم اوپودلدوک) تقسیم می گردند.

از بین لینیمان های روغنی، لینیمان کلروفرم و لینیمان آسونیا کال را ذکر می نمائیم. نوع اخیر از مخلوط کردن ۹ گرم روغن زیتون و ۱ گرم آسونیاک مایع تهیه می شود.

(Pistil): عضو ماده در گل.

مادگی

ماکروسپور

(Macrospore) یا مگاسپور (Mégaspore)، هاگهائی را گویند که از رویش آنها پروتال ماده بوجود آید. یعنی پروتالی بوجود آید که بعداً بر روی آن آرکگون تشکیل شود. با این وضع می توان آنرا شبیه به نوپل (Nucelle) گیاهان گلدار دانست.

(Pyxide): نوعی سیوه پوشینه است که قسمت انتهائی آن مانند سره پوشی بازی می شود و دانه ها از آن راه به خارج ریخته می شود مانند سیوه خرفه.

سپری

محلول های داروئی

(Solutés) - محلول های داروئی یا سولوته ها ، عموماً از انحلال ساده (Solution) یک یا چند ماده داروئی، بدون مداخله گرمای یا تحت اثر آن به دست می آیند. حلالی که در تهیه آنها به کار می رود، غالباً آب و یا ممکن است الکل ، مخلوط الکل و گلیسرین و یا مایعات دیگر باشد.

محلول های داروئی را می توان بر حسب نوع حلال، به انواع الکلی، آبی، روغنی و غیره تقسیم نمود و یا این تقسیم بندی را بر حسب نوع مصرف، از اینکه تزریقی، خوراکی، تقطیر در گوش و بینی و یا مالیدنی باشند در آنها انجام داد.

در کد کس، محلول های تزریقی آبی یا روغنی، با سوسپانسیون ها ولی فراورده های تزریقی متشابه غدد داخلی و اورسون ها، تحت نام فراورده های